

The Role of the Judge's Knowledge in Dealing with Economic Crimes in the Light of the Role of Informers

Mohsen Yarkhani¹, Mohammad Jafari Harandi^{2*}, Tayyebbeh Arefnia³

1. Ph.D. Student of Department of Jurisprudence and Islamic Law, Yadgar-e-Imam Khomeini Unit (RAH) Shahr Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor of Islamic Jurisprudence and Law Department, Yadgar-e-Imam Khomeini Unit (RAH) Shahr Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant professor of Islamic Jurisprudence and Law Department, Yadgar-e-Imam Khomeini Unit (RAH) Shahr Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 243-260

Article history:

Received: 12 May 2021

Edition: 8 Jul 2021

Accepted: 27 Aug 2021

Published online: 9 Oct 2021

Keywords:

economic crimes, Criminal Justice, the science of the judgment Informants report.

Corresponding Author:

Mohammad Jafari Harandi

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Yadgar-e-Imam Khomeini Unit (RAH) Shahr Ray Branch, Islamic Jurisprudence and Department.

Orchid Code:

0000-0003-2808-0252

Tel:

09121382874

Email:

Harandi_lawer@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: In the field of economic crimes, due to prior planning and the existence of technical (financial) complexities, the knowledge of the judge, which is often obtained through the UAE, plays a very important role in proving said crimes. The aim of the present research is to examine the role of the judge's knowledge in dealing with economic crimes in the light of the role of informers.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Economic crimes have special descriptions and descriptions, according to each of them, the descriptions of the motive for which the charges are used, and the two years behind the crimes. Therefore, due to technical complications, informants play a very important role in obtaining the knowledge of a judge.

Conclusion: The results of the present research show that due to the complexity of economic crimes and especially the secrecy and prior planning of all its material elements, Informants report plays a role as an independent and powerful authority in the process of obtaining the knowledge of a judge.

Cite this article as:

Yarkhani M, Jafari Harandi M, Arefnia T. *The Role of the Judge's Knowledge in Dealing with Economic Crimes in the Light of the Role of Informers. Economic Jurisprudence Studies. 2021.*

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

نقش علم قاضی در رسیدگی به جرائم اقتصادی در پرتو نقش ممبران

محسن یارخانی^۱، محمد جعفری هرندی^{۲*}، طیبه عارف‌نیا^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره)، شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره)، شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره)، شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در حوزه جرائم اقتصادی به واسطه برنامه‌ریزی قبلی و وجود پیچیدگی‌های فنی(مالی) علم قاضی که اغلب از طریق امارات به دست می‌آید، نقش بسیار مهمی در اثبات جرائم مزبور ایفا می‌کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش علم قاضی در رسیدگی به جرائم اقتصادی در پرتو نقش ممبران است

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: جرائم اقتصادی دارای اوصاف و ویژگی‌هایی خاصی هستند که همین اوصاف باعث شده است توسل به راه کارها و سازوکارهای سنتی رسیدگی به جرائم، نیل به عدالت کیفری در موارد ارتکاب جرائم اقتصادی را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند. از این رو، به واسطه پیچیدگی‌های فنی، ممبران در حصول علم قاضی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به دلیل پیچیدگی‌های جرائم اقتصادی و به طور خاص پنهانی بودن و برنامه‌ریزی قبلی تمام ارکان مادی آن، گزارش ممبران در قامت یک اماره مستقل و قدرتمند در فرآیند حصول علم قاضی نقش آفرینی می‌کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۴۳-۲۶۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

واژگان کلیدی:

جرائم اقتصادی، عدالت کیفری، علم قاضی گزارش ممبران.

نویسنده مسئول:

محمد جعفری هرندی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، واحد یادگار امام خمینی(ره)، گروه فقه و حقوق اسلامی.

کد ارکید:

0000-0003-2808-0252

تلفن:

۰۹۱۲۱۳۸۲۸۷۴

پست الکترونیک:

Harandi_lawer@yahoo.com

۱. مقدمه

توجه داشت که در اینجا؛ مرتبه‌ای از «علم» که برای قاضی ایجاد می‌شود، نه «یقین» بلکه «ظن» خواهد بود.

در زمینه پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله پیرانی و قربانی با عنوان «واکاوی حقوقی دام‌ها و تله‌های پلیسی در کشف جرائم اقتصادی» اشاره کنیم. این مقاله ضمن تبیین انواع دام‌ها و تله‌ها در دو جرم اقتصادی پول‌شویی و رشوه می‌تواند از یک طرف هدایتگر پلیس، طراحان و گردانندگان عملیات‌های مخفی در پیاده‌سازی یک عملیات مخفی دام‌گستری باشد چنان‌که موجب عدم هدر رفت منابع اعمال قانون شود و از طرف دیگر موجبات اعتماد هرچه بیشتر مردم به پلیس و دستگاه قضایی را فراهم کند. اغلب پژوهش‌های صورت گرفته هیچ‌گونه اشاره‌ای به علم قاضی در جرائم اقتصادی و گزارش مخبران ندارند که همین امر نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتاب‌خانه‌ای است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

قضا و داوری از جمله مسائل ضروری اکثر قریب به اتفاق جوامع انسانی است، زیرا اگر این مهم بررسی نشود جان، مال و آبروی مردم از امنیت خارج می‌شود و باعث تشویش و نگرانی افراد در امور مربوطه خواهد شد. چنان‌که خداوند متعال خطاب به حضرت داوود می‌فرماید: «ای داوود ما تو را خلیفه (و نماینده) در زمین قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن» (سوره ص، آیه ۲۶). منصب قضا چنان مهم است که بنابر نظر مشهور نزدیک به اجماع فقهای امامیه، بعد از امام معصوم علیه‌السلام جز مجتهدی جامع-الشرايط را بر نمی‌تابد.

قاضی اساساً برای صدور حکم باید به علم و قطعیت برسد. برای این امر نیز نظام ادله اثبات دعوی طراحی و ارائه شده است. یکی از مصادیق ادله اثبات دعوی، علم قاضی است. در دادرسی اسلامی قاضی مکلف است بر اساس اقرار، بینة، حلف (سوگند) و علم صدور حکم کند؛ اما آنچه مهم است و سؤال برانگیز می‌شود مسئله علم قاضی است. اولاً علم قاضی باید از طرق متعارف حاصل شود، دوماً در همین راستا، گزارش مخبران یکی از ابزارهای حصول علم قاضی است که در جرائم اقتصادی بسیار اهمیت پیدا می‌کند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در جرائم اقتصادی نقش گزارش مخبران در حصول علم قاضی چگونه است؟ فرضیه‌ای که در این زمینه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که ماهیت جرائم اقتصادی به گونه‌ای است که کشف آن و اثبات ارکان آن وابستگی تامی با گزارش مخبران دارد. به همین دلیل گزارش مخبران در قامت یک اماره قوی در راستای شکل‌گیری علم قاضی ظاهر می‌شود. باید

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، جرائم اقتصادی دارای اوصاف و ویژگی‌هایی خاصی می‌باشند که همین اوصاف باعث شده است توسل به راه کارها و سازوکارهای سنتی رسیدگی به جرائم، نیل به عدالت کیفری در موارد ارتکاب جرائم اقتصادی را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند. از این رو، به واسطه پیچیدگی‌های فنی، مخبران در حصول علم قاضی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم علم قاضی در فقه و حقوق

علم قاضی در نظر گروهی از فقها در دسته‌ای از ادله قرار دارد که قاضی می‌تواند در حق الله و حق الناس به آن استناد و حکم صادر کند که این اتفاق در عمل نیز می‌افتد. علم در اصطلاح فقه و اصول آن، به معنای قطع و یقین آمده است. قطع در لغت جدا کردن و جزم و یقین معنی شده است (معطوف، ۱۳۶۶، ۶۳۸) و در اصطلاح اعتقادی جازم است که در نظر قاطع، مطابق با واقع و برای او مکشوف است و او به نادرستی قطع خویش، هیچ احتمالی نمی‌دهد. قطع به دو قسم موضوعی و طریقی تقسیم می‌شود. قطع موضوعی، در لسان دلیل و خطاب شارع در موضوع حکم شرعی گرفته شده و لحاظ گردیده است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۶۳) و قطع طریقی، قطعی است که خصوصیت و موضوعیتی نداشته و تنها راهی است به سمت واقع (محمدی، ۱۳۹۵، ۲۱).

در لغت، علم مقابل جهل و در معنای آگاهی پیدا کردن بر ماهیت وقایع و پدیده‌هاست. با بررسی و ارزیابی قرائن، شواهد و اوضاع و احوال یک پدیده خارجی، فرد شروع به تفکر درباره موضوع می‌کند و در نتیجه آن تفکر به آگاهی و علم می‌رسد (حیدری، ۱۳۹۲، ۹۱).

مقنن در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، علم قاضی را تعریف کرده است و آن را یقین حاصل از مستندات بین در امری می‌داند که نزد قاضی طرح می‌شود و در ادامه اضافه می‌کند که در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، او باید قرائن و امارات بین مستند علم خود را به شکل صریح در حکم ذکر کند (افشاری اردبیلی، ۱۳۹۹، ۳۷۱-۳۷۰). علمی که بر قاضی حاصل می‌شود، بر دو قسم است. علم عادی و علم یقینی. علم عادی، علمی است که از دیدگاه عقل احتمال خلاف آن می‌رود اما آن احتمال آنقدر ضعیف و اندک است که بیشتر مردم و اهل خرد توجهی به آن ندارند. نام دیگر آن اقناع وجدان قاضی است (ساریخانی و دیگران، ۱۳۹۴، ۵۹). در علم یقینی اما قطعیت و یقین کامل وجود دارد، به طور صددرصدی و بدون هیچ تردید و احتمالی از خلاف (حیدری، ۱۳۹۲، ۹۳). علم از منظر دیگر به دو دسته شخصی و حصولی تقسیم می‌شود. باید دقت کرد که مطابق عبارت «مستندات بین در امری» که ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی بیان شده است، مراد مقنن علم شخصی نبوده است و او به علم حصولی که از طریق مستندات بین یعنی مواردی مانند کارشناسی، معاینه محل، تحقیقات محلی، گزارش ضابطان و سایر قرائن، به دست می‌آید، اشاره می‌کند و چنان که بالاتر ذکر شد در صورت استناد به

علم قاضی در پرونده، ذکر مستندات علم الزامی است (افشاری اردبیلی، ۱۳۹۹، ۳۷۱).

۵-۲. نظرات فقها به علم قاضی

در این بخش نظرات فقها درباره علم قاضی و تأثیر آن در احکام در فقه شیعه و اهل سنت را بررسی می‌کنیم.

۵-۲-۱. رویکرد فقهای امامیه

آنطور که به نظر می‌رسد، در میان فقهای امامیه چهار قول در ارتباط با علم قاضی موجود است. نخست آنکه علم قاضی تنها در حقوق الناس حجیت دارد. دوم آن که آن را صرفاً در حقوق الله دارای حجیت می‌دانند. سوم عدم حجیت مطلق علم قاضی که نظر ابن جنید است و چهارم حجیت مطلق علم قاضی. نظر چهارم نظر مشهور است و با بررسی مشخص می‌شود که فقهای امامیه بر این موضوع اجماع دارند که امام علیه السلام می‌تواند بنابر علم خود حکم کند و این موضوع هم در حق الله و هم در حق الناس جاری است. هم-چنین مورد اجماع است که قاضی غیر معصوم نیز می‌تواند بر همین منوال حکم کند (حیدری، ۱۳۹۳، ۹۵-۹۶).

برای مثال شهید اول می‌فرماید چنانچه حاکم، به چیزی که حق است علم داشته باشد، باید به‌طور مطلق یعنی چه در حق الله و چه در حق الناس مبتنی بر علم خود رفتار کند. حال اگر حاکم عالم به حق نیست، باید از مدعی طلب شاهد کند. در صورتی که مدعی جواب دهد که شاهی ندارد،

قاضی باید مدعی را آگاه کند که محق است سوگند منکر را طلب کند. در این حالت قاضی از منکر طلب سوگند می‌کند و بدون درخواست مدعی نباید این کار را انجام دهد (شهید اول، ۱۴۱۰، ج ۱، ۸۹).

آیت الله خمینی در این زمینه می‌فرماید که جایز است که قاضی به علم خود بدون بینة یا اقرار یا قسم، در حقوق مردم و در حقوق خداوند متعال، حکم صادر کند. در صورتی که بینة مخالف علم او باشد، حکم به بینة جایز نیست. هم‌چنین قسم دادن فردی که در نظر او دروغگو است، جایز نیست و قاضی در این حالت جواز دارد که اگر بر او متعین نباشد، متصدی قضاوت نشود (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ۴۰۸). هم‌چنین علامه خویی می‌فرماید همان‌طور که حاکم بر اساس بینة، اقرار و سوگند، در مورد دعوی میان طرفین حکم صادر می‌کند، می‌تواند به استناد علمش نیز حکم کند و در این امر میان حقوق الله و حقوق الناس فرقی نیست (خویی، ۱۴۲۲، ۳).

۵-۲-۲. رویکرد فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت مبنی بر مذهب خویش در زمینه علم قاضی آرای مختلفی دارند که به‌طور اجمالی به آن اشاره می‌کنیم. ابوحنیفه به جواز استناد به علم قاضی در حقوق الناس و عدم جواز در حدود الله اعتقاد داشته و مالک بن انس، به‌طور مطلق، استناد به علم قاضی را غیر مجاز دانسته است. ابن ادریس شافعی نیز در نظری به‌طور مطلق، استناد به علم قاضی را جایز شمرده است و در قولی دیگر قائل به تفصیل شده است و می‌فرماید اگر قاضی بتواند در حقوق الناس مطابق علم خود عمل کند، بنابراین در

حقوق الله به طریق اولی می‌تواند بر طبق علم خویش عمل کند و این قضیه برعکس نیز جاری است. اگر در حق الناس نتواند، به طریق اولی در حق الله نیز نمی‌تواند مبتنی بر علم خود عمل کند. نظر احمدبن حنبل نیز در این باره جواز به طور مطلق است (ساریخانی و دیگران، ۱۳۹۴، ۴۷-۴۸).

۵-۳. نقش علم قاضی در فرآیند رسیدگی به جرم

ادله اثبات جرم، تا قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به شکلی پراکنده در قانون مجازات و قانون آئین دادرسی کیفری طرح شده بود که به دلیل همین پراکندگی با اختلاف نظرات متعددی مواجه بود. مقنن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در بخشی مجزا به طرح این موضوع پرداخت. مسئله علم قاضی نیز در میان موارد طرح شده بود (حیدری، ۱۳۹۳، ۱۰۸). مسئله‌ای که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ وجود نداشت (حیدری، ۱۳۹۱، ۲۷۵). البته قابل توجه است که ادله اثبات مسئله‌ای شکلی است و به نظر باید در قانون آئین دادرسی کیفری مطرح می‌شد.

مقنن در ماده ۲۱۱ قانون مجازات برای علم قاضی تعریفی ارائه داده است که در مباحث قبل به آن اشاره شد. همچنین این نکته نیز طرح شد که آنچه مد نظر مقنن بوده است، علم حصولی است که توسط مستندات بین حاصل شود. غیر معتبر دانستن علم شخصی قاضی با اصول دادرسی عادلانه و الزامات حقوق دفاعی متهم همسو است. علم شخصی اطلاعات شخصی دادرس خارج از محتویات پرونده

است. در حقیقت قاضی علم شخصی را نه به اعتبار قضاوت بلکه در مقام فردی از افراد جامعه دریافت کرده است. مستندات بین، مواردی هستند که می‌شود در پرونده کیفری درج کرد و به بررسی کیفری مراجع عالی تر سپرد. یعنی نمود بیرونی برای انتقال به افراد دیگر وجود دارد که این مسئله تنها در مورد اطلاعات پرونده نیست، نظارت بر قضات و تصمیمات آنها توسط مراجع عالی تر نیز بدون این ویژگی دلایل امکان پذیر نیست و نمی‌توان مسئله نظارت بر احکام را تنها به نظارت درونی قضات و سلاقی آنها سپرد. چرا که قاضی نیز انسانی است عادی و ممکن است همانند دیگران در مشاهده و درک وقایع دچار اشتباه شود و محول کردن تمام بار قضاوت بر تجربه شخصی او بی‌اعتمادی عمومی را در پی خواهد داشت. درحالی که تنها دانای مطلق از درستی یا نادرستی تجربه شخصی قاضی مطلع است و به طور مشخص مدعی و دادرس نمی‌تواند یک نفر باشد. با معیار دانستن علم شخصی، دادرس را در حکم مدعی در نظر می‌گیریم. بنابراین صدور حکم بر اساس علم شخصی امری است خارج از عدالت (حیدری، ۱۳۹۳، ۹۹-۹۷).

آنچه دادرسی عادلانه حکم می‌کند، لزومی بی‌طرفی دادرس است. ضمن توجه به اینکه پرونده موجود در دست هر قاضی بر اساس علم شخصی او با نتیجه متفاوت روبه‌رو خواهد شد باید گفت دادرس باید بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای پرونده را بررسی کند و با دلایل ارائه شده و مباحث مطرح شده به اقناع وجدانی برسد (یوسفیان و دیگران، ۱۳۲۵). همان گونه که مقنن در ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری، اظهار نظر قبلی ماهوی قاضی یا دادرس در امر جزایی و یا قرار

هر یک قواعد خاصی بیان کرده است. مقنن در ماده ۱۷۵ شهادت شرعی را شهادتی می‌داند که نزد شارع اعتبار و حجیت دارد، صرف نظر از اینکه مفید علم باشد یا نه، یعنی شهادت در جرائمی غیر از تعزیرات را معتبر است و در صورتی که اقرار یا شهادت دلیل شرعی محسوب نگردند، باید به حصول علم برای قاضی منجر شوند و یا دست کم هم‌سو با دیگر قرائن و امارات موجود باشند (حیدری، ۱۳۹۳، ۱۰۶).

ماده ۲۱۲ قانون مجازات، تقدم علم قاضی، در صورت تعارض میان علم قاضی و دیگر ادله‌های قانونی را بیان می‌کند و آن را منوط به این می‌کند که علم قاضی بین بماند. یعنی اگر کمیت و کیفیت ادله معارض طوری باشد که قناعت قاضی را دچار اخلال کند، علمی باقی نمی‌ماند که بتوان بر اساس آن حکم صادر کرد.

درباره حدود، قصاص و دیات، مقنن ترکیبی از ادله قانونی و معنوی را بیان می‌کند. ماده ۱۶۰ قانون مجازات در مقام بیان قاعده‌ای کلی است و علم قاضی را دلیل اثباتی برای تمام جرائم می‌شمارد. همچنین مواد ۱۶۱، ۱۶۲ و ۱۸۷ نیز در مورد حجیت ادله شرعی در حدود، قصاص و دیات صحبت می‌کند و استناد قاضی به ادله شرعی را جز در علم به خلاف موضوع، بیان می‌کند. بنابراین باید گفت مقنن راه حل میانه را انتخاب کرده است و سیستم حاکم بر ادله اثبات در قانون ما را در حدود، قصاص و دیات ترکیبی از سیستم‌های قانونی و ادله معنوی با مرجع دانستن سیستم ادله معنوی، قرار داده است. در فرآیند دادرسی کیفری اگر اقناع وجدانی بر قاضی حاصل شود، حکم صادر می‌شود، در غیر این صورت صدور حکم منوط به شرطی می‌شود. قاضی در این

گرفتن در لیست شهود یکی از طرفین را از جهات رد دادرس بیان می‌کند. بنابراین باید گفت با وجود اینکه صراحتی در رد علم شخصی در قوانین وجود ندارد اما قرائن موجود لزوم علم حصولی را نشان می‌دهد. البته قابل توجه است که منظور مقنن علم یقینی نیز نیست. زیرا رسیدن به علم یقینی در امور کیفری و قضاوت بسیار سخت است و اقناع وجدانی قاضی به- وسیله حصول علم عادی و سکون نفس در نتیجه مستندات بین، کفایت می‌کند (حیدری، ۱۳۹۳، ۱۰۰).

ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی، در مقام احصا ادله اثبات جرم را می‌شمارد و به اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی اشاره می‌کند. مستفاد از ماده آن است که تمامی موارد مذکور در اثبات از یک ارزش برخوردارند اما در موادی از قانون مجازات، مقنن اقرار را برای صدور حکم کافی نمی‌داند. از این موضوع اینطور برداشت می‌شود که مقنن در تعزیرات سیستم دلایل معنوی را انتخاب کرده است. در ماده ۱۷۱ مقنن نخست اقرار را کافی دانسته است اما بعد شرایطی را بیان می‌کند که در آن قرائن و اماراتی در مخالفت با اقرار وجود دارند. در این صورت قانون به بررسی امر و ذکر قرائن و امارات در رأی تکلیف می‌کند. بنابراین باید گفت مقنن با الهام از ویژگی‌های دادرسی اسلامی، نظیر حاکمیت قاعده دراء و لزوم قطع و یقین برای قاضی، روش دلایل معنوی در تعزیرات را انتخاب کرده است (طاهری بجد، ۱۳۸۳، ۳۱۷).

برای تأیید مسئله مذکور می‌توان به مواد مربوط به شهادت، اقرار شرعی و غیر شرعی اشاره کرد. قانون‌گذار این موارد را از هم جدا کرده است و برای

حالت می‌تواند به دلایل قانونی که در مخالفت با علم و وجدانش نیستند، عمل کند. در اینجا علم به وفاق شرط نیست و همین که علم به خلاف و در نتیجه اخلال به صحت علم نباشد، می‌توان حکم صادر کرد، درست همان‌گونه که در تحلیل ماده ۱۶۱ قانون مجازات بیان شد (حیدری، ۱۳۹۳، ۱۰۷).

۵-۴. مفهوم جرائم اقتصادی

برای جرم اقتصادی تعاریف متعددی ارائه شده است که حاکی از عدم وجود اجماع در تعریف این جرم است (مهدوی‌پور، شهرانی، ۱۳۹۴، ۱۳۱). در شرح دلیل این امر باید گفت که ابهام موجود در تحلیل ویژگی ذاتی اعمال مجرمانه، از مشکلات واژگان‌شناسی است که در جرم اقتصادی نیز با آن روبه‌رویم (روستایی، ۱۳۸۸، ۹). از طرفی باید مسئله گذشت زمان، تغییر مفاهیم و جهانی شدن رو به گسترش اقتصاد را نیز در نظر گرفت و تغییرات ایجاد شده در ویژگی‌های جرم اقتصادی را پذیرفت (شوگرن، ۲۰۰۴، ۲). تعاریف جرم اقتصادی، هر کدام حول محور شاخصه‌ای متفاوت بیان شده‌اند و هر نظام حقوقی باتوجه به ارزش‌های مورد حمایت خود، از میان شاخصه‌ها، معیاری برای جرم‌انگاری در نظام حقوقی خود انتخاب کرده است. جرم اقتصادی بر اساس این شاخصه‌ها تعریف شده است: ماهیت ضرر و زیان وارده، میزان کمی ضرر و زیان وارده، شخصیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی مرتکب، بزه‌دیده، هدف از ارتکاب جرم و موضوع جرم (روستایی، ۱۳۸۸، ۱۰-۹). برای مثال به چند تعریف اشاره می‌کنیم. شوگرن جرم اقتصادی را اعمال غیر قانونی در حیطة فعالیت‌های حرفه‌ای به

هدف کسب امتیازهای اقتصادی می‌داند و به فرار از مالیات و اختلاس به‌عنوان نمونه‌هایی از این جرم اشاره می‌کند (شوگرن، ۲۰۰۴، ۲-۱). تایدمن نیز می‌گوید که اعمال ممنوعه‌ای که صدمه زننده یا به خطر اندازنده منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه هستند، جرائم اقتصادی نام دارند (تایدمن، ۱۹۷۶، ۲-۱). تعاریف مذکور هر یک به یکی از ویژگی‌های جرائم اقتصادی اشاره کرده است؛ حرفه‌ای بودن، غیر حقیقی بودن بزه‌دیده و بستر ارتکاب جرائم اما در ارائه تعریفی جامع و کامل باید گفت رفتار مجرمانه‌ای که با انگیزه و هدف کسب سود یا امتیاز مادی، در بستر هر گونه نظام اقتصادی از تولیدی گرفته تا گمرکی و علیه آن رخ می‌دهد و نتیجه آن بروز اخلال در نظام و فعالیت‌های اقتصادی است (مهدی‌پو و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۳۲).

جرم اقتصادی با مفاهیمی نظیر فساد مالی، فساد اقتصادی و جرم تجاری ارتباط نزدیکی دارد که گاه به هم‌پوشانی رسیده است. اما در مقام قیاس فساد مالی با جرم اقتصادی، باید گفت فساد مالی، سوءاستفاده از قدرت در جهت منافع شخصی است و بستر ارتکاب در بخش خصوصی یا دولتی است که مرتکب در آن قدرت دارد اما جرائم اقتصادی به‌وسیله هر فردی می‌تواند رخ دهد. هم‌چنین فساد اقتصادی نیز رفتار تهدید کننده بنیان اقتصادی کشور است اما جرم اقتصادی اخلالگر سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. جرم مالی نیز مصلحت خزانه دولت را هدف گرفته اما هدف در جرم اقتصادی، سیستم اقتصادی کشور است، یعنی ساختارهای تولید و توزیع و مصرف (میرسعیدی و دیگران، ۱۳۹۲، ۶۸).

۵-۵. مصادیق جرائم اقتصادی

جرم اقتصادی و مالی، دامنه گسترده‌ای از فعالیت‌های غیر قانونی را در بر می‌گیرد که شامل کلاهبرداری، فرار مالیاتی و پولشویی می‌شود (بارتی، ۲۰۳، ۲۰۹؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۴۶). البته باید گفت موارد مذکور تنها جرائم اقتصادی موجود نیستند. در ادامه نمونه‌هایی از جرائم اقتصادی بیان می‌شوند: احتکار، قاچاق کالا، جرائم مالیاتی، اخلال در نظام تولیدی و صادراتی کشور، تشکیل شرکت‌های هرمی، قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی، اخاذی، تبانی در معاملات دولتی، خیانت در امانت، اخلال در نظام پولی و یا ارزی کشور، جرائم مربوط به بازار اوراق بهادر، تشکیل شرکت‌های مضارب‌های صوری، عدم رعایت ضوابط برگزاری مزایده و مناقصه، سوءاستفاده از اختیارات قانونی، پاک‌سازی عواید حاصل از پولشویی، تقلب و فریب‌کاری در معاملات دولتی، حساب‌سازی با تنظیم صورت حساب و دفاتر غیر واقعی، دریافت وجه یا مال مزاد بر مقررات و برخلاف قانون، اعطای مجوز غیرقانونی یا تبعیض‌آمیز و یا اعطای مجوز بر اساس روابط نامشروع و غیرقانونی (برزگری و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۴۵-۲۴۴)، دریافت تسهیلات غیر مجاز بانکی یک نوع جرم اقتصادی است و عدم ایفای تعهدات بعد از دریافت تسهیلات بانکی جرم دیگر است. همچنین اگر در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و توجه بر عدم انحراف آن‌ها تبانی و اهمال کاری انجام شود، جرم اقتصادی دیگری رخ داده است، پول‌شویی، رشا و ارتشا، اختلاس و... (زمانی، ۱۳۸۸، ۳۲).

۵-۶. ویژگی‌های خاص جرائم اقتصادی و چالش‌های حصول علم قاضی

سطح رؤیت‌پذیری جرائم اقتصادی پائین است، بدین ترتیب گزارش‌دهی آن‌ها نیز رقم پائینی دارد. این موضوع سبب شده است که نخست تعداد زیادی از بزه‌دیدگان از بزه‌دیدگی خود بی‌خبر باشند و دوم حساسیت افکار عمومی بر روی این دسته از جرائم پررنگ نباشد (مهدوی‌پور، ۱۳۹۲، ۵۱۷).

در جرائم دیگر به دلیل وجود آثار مشهود، موضوع دادرسی کیفری به‌طور معمول با حداقل فاصله از زمان بروز جرم شروع می‌شود اما این مسئله در جرائم اقتصادی متفاوت است. نخستین دلیل آن این است که آثار این جرائم آنی نیستند و بروز آن‌ها طول می‌کشد. دلیل دوم آن است که زمانی که این جرائم بزه‌دیده واقعی ندارند، آثار آن‌ها مشاهده نمی‌شوند. دلیل سوم آن که ممکن است ربط مستقیمی میان جرائم و آثار آن نباشد. این مسئله و تأخیر سبب شده است که این جرائم مشمول مرور زمان نشوند.

می‌دانیم که نتیجه فساد در اقتصاد، فقر و سوءتغذیه است و اگر کشوری با منابع بسیار، دچار فساد اقتصادی است بدون شک درگیر آمار بالایی از جرائم اقتصادی است اما از آنجا که نمی‌توان ارتباط مستقیمی میان این جرائم با مشکلات مذکور کشور برقرار کرد، اثبات این جرائم دشوار و زمان‌بر است. بنابراین بهتر است مرور زمان در این جرائم معنی نداشته باشد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۵۶).

این مسئله در قوانین بین‌المللی نیز دیده می‌شود. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، در ماده ۲۹ مقرر داشته است که هر کشور می‌تواند

کرد که گاه میان بزه کار و بزه دیده رابطه کاری و تجاری است و بزه کار دسترسی لازم برای از بین بردن آثار جرم خود را دارد. بنابراین گاه عملاً جرائمی هستند که متوجه بروزشان نیستیم.

از طرفی گاه جرائم اقتصادی برای افرادی روشن است اما مراجع رسمی از آن اطلاعی ندارند و در آن خصوص پنهان کاری می شود. برای مثال در مواقعی زمانی که شرکتی بزرگ با کلاهبرداری روبه رو می شود، این مسئله به دلیل اعتبار شرکت پنهان و از گزارش دهی به مراجع کیفری جلوگیری می شود (موسوی مجاب، ۱۳۸۳، ۷۳). دولت و قوه مقننه نیز این اعمال را از ریسک های تجارت و اقتصاد می دانند.

آنچه می توان برای کاهش ارقام سیاه و شفافیت بیشتر در این زمینه انجام داد، اهمیت دادن به پیش گیری و اصل قرار دادن برنامه ریزی برای پیش گیری، به خصوص در قبال عوامل جرم زاست. هم چنین به تدابیر کیفری و مجازات باید نقش تکمیلی داد. ویژگی دیگر جرائم اقتصادی که باید به آن توجه کرد، پویایی است. جرائم اقتصادی از زمان و پیشرفت در طی آن عقب نمی مانند و در قالب های جدید و سازگار با شرایط جدید پیدا می شوند. جهانی شدن اقتصاد، تکنولوژی و اینترنت راه را برای افزایش جرائم اقتصادی بین المللی هموار کرده است و آن ها را سازمان یافته تر کرده است و گاه منجر به همکاری های بین المللی گسترده تر و بهتر مجرمان این جرائم با یکدیگر در مقایسه با کشورها و دولت ها شده است. مسئله مشکل ساز، سرعت بالای سازگاری جرائم با شرایط و تحولات و پویایی آن ها و سرعت پائین

بنابر شرایط مرور زمان طولانی تری در نظر بگیرد و یا در مواقع لازم نظیر فرار مجرم، آن را دچار تعلیق کند. ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی نیز به این موضوع اشاره می کند و جرائم اقتصادی را خارج از شمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات قرار می دهد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۵۷).

آنچه در مسئله خروج از شمول مرور زمان رخ داده است، به کارگیری سیاست جنایی افتراقی به دلیل رویت پذیری کم جرائم اقتصادی است. همانطور که می دانیم اجرای سیاست جنایی افتراقی در سه معیار گونه شناسی جرائم، بزه کاران و بزه دیدگان رخ می دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ۵۹). که در اینجا مسئله ویژگی خود جرم است. جرائم اقتصادی با سوء استفاده از اعتبار و اعتماد به دست آمده از شغل قانونی مرتکبان، ملازمه دارد. گاه در ارتکاب یک جرم چندین نفر دخیل هستند تا مسئولیت کیفری میان آن ها تقسیم شود. هم چنین باید دقت کرد که بزه دیدگی در این جرائم، غیر ملموس است و بزه دیده اعتباری و غیر شخصی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۲۲۵۹-۲۲۵۲).

برای بیان تعداد جرائمی که رخ داده اند اما میزان و ماهیت نامعلومی دارند از عبارت بزه کاری واقعی، استفاده می شود. بزه کاری واقعی از دو طریق تحقیقات خود گزارشی بزه کاری و بزه دیدگی به دست می آید (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۰۵) اما با این وجود باز دسترسی به میزان آن سخت است و باید گفت رقم سیاه در جرائم اقتصادی بالاست. دلایل این امر به شرح زیر است: پیش تر گفتیم که آثار جرائم اقتصادی آنی نیستند، باید به این نیز اشاره

دولت‌ها در جرم‌انگاری و کشف آن است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۵۹-۱۵۸).

زمانی که از جرائم بین‌المللی حرف می‌زنیم باید به مسئله دادرسی کیفری نیز اشاره کنیم. مسئله دادرسی کیفری نیز در این حوزه دچار مشکل است، همکاری و هماهنگی دولت‌ها در این زمینه نیازمند توجه به مسائل سیاسی، بروکراسی و طی مراحل قانونی است که ممکن است زمان زیادی را طلب کند. بنابراین عدم جرم‌انگاری متناسب با زمان و عدم همکاری بین‌المللی خود عواملی جرم‌زا بوده و مجرم را در شرایط مصونیت قرار می‌دهند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۵۹).

مسئله بعدی در خصوص جرائم اقتصادی و دامنه خطر آن‌هاست. شورای اروپا در سال ۱۹۸۱، دامنه شمول این جرائم را گسترده و در سطح جامعه خواند و اضافه کرد که این نوع جرائم تهدیدی علیه محیط زیست، سلامت و از این دست موارد هستند که اقتصاد ملی و بین‌المللی را دچار ضربه می‌کنند و موجب بی‌اعتمادی به نظام اقتصادی می‌شوند. گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز افزایش این خطر را سبب شده است.

همانطور که در خطوط بالا ذکر شد، ضربه اقتصادی این جرائم پیامدهای غیر اقتصادی نیز دارد. باید گفت با گسترش فساد در جامعه در نهایت حقوق بشر نیز نقض خواهند شد. از طرف دیگر دامنه صدمات اقتصادی نیز بسیار گسترده است و علاوه بر آسیب مالی مستقیم، به اعتماد و اعتبار بخش‌های مختلف اقتصادی ضربه وارد خواهد شد و امنیت اقتصادی به خطر خواهد افتاد. در نتیجه مسائل پیرامون منابع انسانی نیز دچار آسیب خواهد شد و مشاغل، بیمه‌ها

و کیفیت زندگی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. با گوشزد مقدمه کنوانسیون سازمان ملل متحد مبارزه علیه فساد، دامنه خطرات مذکور یادآوری شد و بسیاری از کشورها سند را تصویب کردند که کشور ما نیز جزیی از آن‌ها بود (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۶۱-۱۶۰).

آنچه در مورد دامنه خطرات جرائم اقتصادی ذکر شد؛ سبب شده است که با گسترش دامنه و نفوذ شرکت‌های چند ملیتی، مسئولیت این شرکت‌ها نیز بیشتر شود و آن‌ها در زمینه‌های مختلف نظیر حقوق بشر و محیط زیست مسئول محسوب شوند (مصفا و دیگران، ۱۳۸۹، ۲۸۴). مسئولیتی که مسئولیت اجتماعی نام دارد. این مسئله دلیل دیگری نیز دارد و آن خطرات و تهدیدهای خود این شرکت‌هاست. بنابراین همان‌گونه که زیست اجتماعی دارند، باید مسئولیت نیز قبول کنند و به‌طور مثال در سرمایه‌گذاری‌های خارجی خود باید حقوق بشر را در نظر بگیرد (لطیفیان، ۱۳۹۱، ۵۱). همچنین باید دقت کرد که ترکیب جرائم اقتصادی با سیاست، صدمات این جرائم را بیشتر می‌کند. برای مثال دولت‌ها زمانی که برای به قدرت رسیدن به حمایت سیستم‌های اقتصادی نیاز دارند، از حمایت آن‌ها در ازای حمایت بعد از رسیدن به قدرت استفاده می‌کنند و برای به‌جا آوردن وعده‌های خود دست به اعمالی می‌زنند که برای جامعه آسیب زننده است و سیستم‌های مربوط به حقوق بنیادین بشر را به خطر می‌اندازد و این جرائم اقتصادی در دراز مدت، بیماری، محرومیت و مرگ انسان‌ها را سبب خواهد شد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۶۲-۱۶۱).

موضوع اشاره می‌کند و همکاری با مخبران را موثر در بهبود دادرسی کیفری می‌دانند (مهدوی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۳۴-۱۳۳).

گاه مخبران با افشاکنندگان و یا گزارش‌دهندگان اشتباه گرفته می‌شوند. این گروه‌ها هر یک ویژگی‌های خود را دارند که مورد توجه کنوانسیون‌های مریدا و پالرمو قرار گرفته است. ماده ۳۳ کنوانسیون مریدا، در ارتباط با حمایت از گزارش‌دهندگان است. گزارش‌دهندگان نیز از وقوع جرم اطلاع می‌دهند؛ اما آن را با حسن نیت، بی‌پاداش و به دلیل عقلانی بودن انجام می‌دهند. معمولاً کارمندی‌های بخش‌های دولتی یا خصوصی زمانی که از ارتکاب جرم در فضایی کاری خود با خبر می‌شوند، گزارش می‌دهند. البته باید گفت که این عمل در اکثر نظام‌های قضایی قاعده الزامی بوده و تکلیف حرفه‌ای است. در حقیقت برای انجام آن پاداشی در نظر گرفته نشده است؛ اما در صورت انجام نشدن آن افراد با مجازات روبه‌رو خواهند شد. مانند آنچه ماده ۶۰۶ قانون مجازات بیان می‌کند. مقنن در این ماده مسئولان حاضر در اداره‌ها و سازمان‌ها را به اطلاع رسانی وقوع جرائم خاص نظیر ارتشا تکلیف کرده است و برای امتناع از این عمل مجازات کیفری در نظر گرفته است. تنها اعلام وقوع جرم، کافی است و نیازی به اعلام مرتکب جرم نیست. عوامل و مامورهای مخفی پلیس نیز کاری مشابه با مخبران انجام می‌دهند اما ماهیت عمل آن‌ها متفاوت است، هر چند که هر دو به مقامات قضایی در روند تعقیب کیفری کمک می‌کنند. مخبران پلیس خبرچین نام دارند (مهدوی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۳۴).

ویژگی بعدی جرائم اقتصادی این است که مجرم دانش و مهارت خاصی را داراست. صرف این موضوع امری تحسین شده است؛ اما استفاده نادرست از آن کار را به جایی دیگر می‌برد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۶۲). بستر جرم اقتصادی زندگی مردم است و مجرم با استفاده از دانش خود نسبت به همین بستر جرم اقتصادی را مرتکب می‌شود که گاه می‌تواند صدمات عظیمی در سطح کشورها داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ۱۳۴). برای مثال در جرائم ارتكابی حوزه تجارت الکترونیکی لازم است مجرم با ریزه‌کاری‌های تجارت الکترونیکی آشنا باشد تا مرتکب جرمی در این بستر شود. بنابراین مجرم با علم به آثار جرم خود و علم به بستر ارتکاب جرم خود دست به این کار می‌زند (صادق‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳، ۳۷).

۵-۷. گزارش مخبران در فرآیند رسیدگی به

جرم

مخبر، فردی است که درباره با فعالیت مجرمانه شخصی دیگر، مخفیانه اطلاعاتی را در اختیار پلیس می‌گذارد. این تعریف قربانیان، شهود، گزارش‌دهندگان، افشاگران، خبرچینان ساده و هشداردهندگان را در بر می‌گیرد. به عقیده بیتشر حقوق‌دانان به‌کارگیری مخبرین موثر در اجرای بهتر قوانین کیفری است (هاگلند، ۱۹۹۰، ۱۴۲۳). انگیزه همکاری این افراد در برخی کشورها اعطای مصونیت از تعقیب یا تخفیف نسبی است. ماده ۷۳ کنوانسیون مریدا ۲۰۰۳، که در رابطه با ماده ۶۲ کنوانسیون سازمان ملل علیه جرائم سازمان‌یافته است به همین

مسئله‌ای که برای مقنن در اینجا مهم است؛ جمع-آوری اطلاعات برای مقابله با جرائم اقتصادی است. هرچند ایراداتی بر مخبر وارد می‌شود و موانعی نیز بر سر این راه وجود دارد؛ اما استفاده از آن در بعضی از حوزه‌های قضایی و جرائم اقتصادی به دلیل ماهیت خاصشان لازم است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم (مهدوی پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۳۶).

جرائم حقوق رقابتی: حقوق رقابتی روابط میان شرکت‌های بازرگانی، بازرگانان و بازار را تنظیم می‌کند. کنترل اعمال خارج از قانون و رقابت سالم در این حوزه برای مقنن به دلیل نوع روابط، سخت و چالش برانگیز است. در قوانین برخی کشورها مانند فرانسه برای اشخاص حقوقی کمک‌کننده در شناسایی اقدامات خلاف در این حوزه، پاداش در نظر گرفته شده است (جعفری، ۱۳۸۶، ۱۱۵).

جرائم اقتصادی سازمان‌یافته: گروه‌های مجرمانه مشغول به جرائم سازمان‌یافته خطرناک و غیر قابل نفوذ هستند. بنابراین به نظر از معدود راه‌های برای نفوذ به آن‌ها، مخبران هستند (معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، ۱۳۸۸، ۲۸-۲۱).

جرائم اقتصادی بدون بزه‌دیده: منظور از بدون بزه‌دیده بودن، نداشتن بزه‌دیده معین است (شور، ۱۹۹۵، ۲۸). و منظور از معین بودن آن، مستقیم بودن است. قانون ما صرف وقوع جرم را برای شروع تعقیب کیفری کافی نمی‌داند و شروع فرایند دادرسی را منوط به وجود جهات قانونی می‌داند. ماده ۶۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، در بیان جهات قانونی برای تحقیقات و رسیدگی، اولین مورد آن را شکایت شاکی خصوصی اعلام می‌کند (آشوری، ۱۳۷۶، ۲۳-).

مخبران دو دسته هستند. مخبران بزهکار که خود سابق اعمال مجرمانه انجام می‌دانند و به انگیزه منافع خویش یعنی دریافت تخفیف و رفتار متفاوت با مقامات همکاری می‌کنند. نوع دیگر مخبران، مخبران نفوذی هستند. این افراد با اجازه پلیس و به همین قصد وارد تشکیلات مجرمانه می‌شوند (مهدوی پور، شهرانی، ۱۳۹۴، ۱۳۳). این نفوذ با کسب مجوز کتبی از مقامات صالح انجام می‌گیرد و جرم یا جرائم تحت بررسی، هویت پلیس مسئول عملیات و طول عملیات در مجوز ذکر می‌شود (آبادینسکی، ۱۹۹۴، ۱۰۹).

در زمینه به کارگیری مخبران تردیدهایی وجود دارد. یکی از آن تردیدها احتمال به وجود آمدن مخبرهایی است که از این مدارا و موقعیت خود به عنوان مخبر که شامل نوعی مصونیت تعقیب کیفری شده سوءاستفاده کنند و جرائم دیگری مرتکب شوند. اما نباید این را فراموش کرد که تعقیب جرم در جرائم اقتصادی بزرگ اغلب بدون کمک مخبران ممکن نیست و سیستم قضایی به اطلاعات این افراد نیاز دارد و باید این را پذیرفت که فردی که خود در فعالیت مجرمانه دست داشته است، اطلاعات دقیق‌تر و مهم‌تری دارد (مهدوی پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۳۶). دیدرو در مورد مخبران به مسئله دیوار بی‌اعتمادی اشاره می‌کند. او دست روی بی‌اعتمادی میان بزه-کاران می‌گذارد و آن را کمک کننده در امر مخبری می‌داند (جعفری، ۱۳۸۶، ۱۰۸). از طرفی به طور کلی باید دقت کرد که عمل مخبر و گزارش او به پلیس یا مرجع قضا زمانی که دادسرا از جرم بی‌خبر است، نوع شفاف‌سازی یک طرفه است و در رابطه با اعلام جرم از طرف سیستم قضایی برای او درخواستی وجود نداشته است و این خواست خود مخبر است.

می‌کند و این کار را برای تأمین امنیت مخبر و تشویق افراد به این امر انجام می‌دهد. اقدامات حمایتی مذکور در ماده ۳۲ کنوانسیون مریدا و ماده ۲۴ کنوانسیون پالرمو، از نظر مالی و قضایی دارای هزینه هستند. اقدامات حمایتی مانند رسیدگی غیر علنی به ادله حساس که می‌توان رسانه‌ها و سایر ناظران را از آن محروم کرد، محدودیت‌های قانونی در مورد تعهد به افشا و تغییر محل زندگی و ... (مهدوی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۴۷-۱۴۱). تعارض با اصل مشروعیت تحصیل دلیل: باید به این موضوع توجه داشت اصل بر بی‌گناهی و آزادی افراد است و نمی‌توان به عنوان مدعی العموم علیه کسی که بی‌گناهی‌اش به موجب اصل برائت مفروض است، ارائه دعوی کرد. در مسئله آزادی تحصیل دلیل و مشروعیت تحصیل دلیل، باید گفت که کسب دلیل از راه غیر مشروع منع شده است (تدین، ۱۳۸۸، ۱۹۵). بنابراین اطلاعات به دست آمده توسط مخبران نیز می‌تواند نادرست شمرده شود و نباید تنها با تکیه بر اظهارات آن‌ها اقدامی علیه دیگران کرد (مهدوی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۴۸).

تعارض با اصل قطعیت مجازات‌ها: اجرای مجازات با قطعیت و سرعت همراه است که از لوازم و شرایط بازدارندگی آن است. اما درباره مخبران این قطعیت و سرعت می‌شکند و مجرمی از اجرای مجازات معاف یا از تخفیف برخوردار می‌شود (مهدوی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۵۱-۱۵۰). تعارض با هدف بازدارندگی مجازات‌ها: تعارض دیگر در به کارگیری مخبرین آن است که دلیل این به کارگیری، تعقیب جرائم و در نهایت کاهش آن‌هاست اما، بخشش و مصونیت مخبر

(۱). که در جرائم بدون بزه دیده وجود ندارد. بنابراین دستگاه قضا در کشف و تعقیب جرم به مشکل می‌خورد، مشکلی که ممکن است توسط مخبران حل شود (مهدوی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۳۹).

بزه کاری متقابل یا جرائم اقتصادی توأم با رضایت: جرائم اقتصادی بدون خشونت و با درگیر کردن دیگران در جرائم ارتكابی رخ می‌دهد. این جرائم گاه مانند بزه کاری متقابل، دو طرف دارند، مانند رشاء و ارتشاء. در این حالت مصلحت هر دو طرف در سکوت است و جز خود آن‌ها کسی نمی‌تواند جرمشان را اعلام کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ۸۷۳-۸۷۲). بنابراین با توجه به آنچه گفته شد گاه سیستم قضایی در کشف و تعقیب جرم در بن بست گیر می‌افتد و لازم است عنصری مانند مخبر به آن کمک کند. چنان‌که در ماده ۵۹۲ قانون مجازات مقنن مقرر می‌دارد که در صورت گزارش یا شکایت رشوه‌دهنده، وی از مجازات حبس معاف و مالش به او مسترد می‌شود (مهدوی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۴۱).

۵-۷-۱. موانع استفاده از مخبرین

استفاده از مخبرین با موانعی نیز روبه‌رو است. مانع اول احتمال ناحق شدن حق متهم است. اقتضائات روند دادرسی عادلانه گاه با اقتضائات مخبرین در تضاد قرار می‌گیرد. برای مثال عموماً مخبر دوست ندارد دیده شود و به همین دلیل متهم از دیدن شاهد خود محروم خواهد بود. مانع بعدی هزینه‌بردار بودن به کارگیری مخبران است. بند ۴ ماده ۳۷ کنوانسیون مریدا، حمایت‌های ماده ۳۲ در ارتباط با شهود، کارشناسان و بزه‌دیدگان را برای مخبران نیز طلب

به ویژگی بازدارندگی مجازات صدمه می‌زند (مهدوی پور و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۵۲-۱۵۱).

۶. نتیجه‌گیری

جرائم اقتصادی، دارای ماهیت و خصوصیات خاصی هستند که در روند دادرسی این جرائم، تأثیر بسزایی دارد. برای مثال، این جرائم اصولاً پنهانی هستند و دسترسی و احراز ارکان مادی آن، امری بسیار دشوار و پیچیده است. هم‌چنین در این جرائم، عموماً بین وقوع جرم و دستگیری مجرم و رسیدگی در دادگاه، فاصله زمانی زیادی وجود دارد. علاوه بر موارد مذکور، این جرائم، بعضاً بزده‌دیده ندارند و در بسیاری از موارد نیز، فرد متضرر از جرم، از وقوع جرم بی‌خبر است که این امر، دلایل مختلفی دارد. برای مثال، به‌واسطه ماهیت این جرائم، گاه بزده‌دیده به‌دلیل فقدان تخصص، ابزار اطلاع از وقوع جرم را ندارد و یا دسترسی به اطلاعات کافی برای کسب اطلاع از وقوع جرم برای وی مقدور نیست. مسئله مذکور، یعنی فقدان بزده‌دیده یا عدم اطلاع وی، سبب می‌شود آثار و تبعات منفی حاصل از جرم، به‌صورت آشکار و مستقیم و در فاصله زمانی کوتاه‌مدت نمایان نشود. این در حالی است که این جرائم تبعات منفی بسیار گسترده‌ای دارند و می‌توانند در وضعیت اقتصادی قشر وسیعی از جامعه، موثر باشند؛ اما آثار سوء آن‌ها در طی زمان، به‌صورت غیرمستقیم در نظام اقتصادی کشور متبلور می‌شود. اوصاف مزبور، رسیدگی به جرائم فوق را برای قضات با چالش‌های فراوانی روبه‌رو می‌سازد.

از سوی دیگر، مخبر فردی است که خبر و گزارشی را می‌رساند. این امر بدان معناست که این شخص، غالباً خودش در محیطی که جرم در آن تحقق یافته است، به فعالیت مشغول است. فعالیت در محیط مذکور بدان معناست که فرد در آن حیطه صاحب علم و تخصص است. به بیان دیگر، وی بدو به‌واسطه تخصص از وقوع جرم مطلع می‌شود و اگر واجد تخصص نبود، قادر نبود متوجه وقوع جرم شود. با توجه به اوصاف مزبور، نمی‌توان گزارش این فرد را یک گزارش ساده در نظر گرفت؛ بلکه نظر یک متخصص نیز، محسوب می‌شود. به همین دلیل، می‌توان گزارش مخبر را، به‌صورت غیر مستقیم، به عنوان نظر کارشناس یا فرد خبره نیز قلمداد کرد. در نتیجه، گزارش مخبرین در جرائم اقتصادی، در بطن خود می‌تواند در آن واحد، دو عنوان مستقل را دارا باشد: اول، گزارش مطلعین؛ و دوم، نظریه کارشناس و خبره. پس گزارش مخبر را می‌توان دو اماره محسوب کرد: یکی به اعتبار گزارش مطلع و دیگری به اعتبار نظریه فرد کارشناس و خبره. بنابراین در شکل‌گیری علم قاضی، اعتبار آن از سایر امارات بیشتر است. یعنی در مواجهه با سایر امارات، در راس سلسله مراتب قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است، در طبقه‌بندی ادله، نباید اعتباری بیش از یک اماره نیز برای گزارش مخبرین در نظر گرفت. زیرا با وجود اهمیت و ابعاد منحصر به فرد آن، کماکان امکان وجود شبهه در آن مفروض است. به همین دلیل، قاضی از بررسی و اعتبارسنجی آن بی‌نیاز نیست و باید مانند سایر امارات به در پذیرش آن دقت کافی را به خرج دهد. در نتیجه، می‌توان بیان کرد، گزارش مخبران، یک اماره موثق است. به-

نحوی که از یک سو، برای قاضی ظنی قوی می سازد و از سوی دیگر، قطعیت ایجاد نمی کند. اما مادامی که علیه آن بینه ای اقامه نشده است، می تواند مبنای صدور رأی قرار گیرد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

- خویی، سیدابوالقاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، چاپ اول، ج ۱، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي ره، ۱۴۲۲ق.

- روستایی، مهرانگیز، «ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرائم اقتصادی»، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، شماره ۷، ۱۳۸۸.

- زمانی، علی اکبر، درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرائم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی، فصلنامه کارآگاه، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، شماره ۷، ۱۳۸۸.

- ساریخانی، عادل، اسلامی‌نیا، قاسم، رویکرد وجدان‌محور در زمینه مسئولیت کیفری آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰، ۱۳۹۴.

- شهید اول، محمدبن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، چاپ اول، بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.

- صادق‌نژاد نائینی، مجید، مطالعه جرم‌شناختی جرائم اشخاص حقوقی حقوق خصوصی؛ از علت‌شناسی تا پیش‌گیری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، در دست دفاع در شهریار، ۱۳۹۳.

- طاهری بجد، محمدعلی، تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی ایران: علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۳.

- لطیفیان، محمدحسین، شرکت‌های چندملیتی و محدودیت‌های حقوق بشری، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۶، ۱۳۹۱.

- محمدی، علی، شرح رسائل (شیخ مرتضی انصاری)، چاپ یازدهم، ج ۱، قم، انتشارات دار الفکر، ۱۳۹۵.

- مصفا، نسرين؛ مسعودی، حیدرعلی، «تحول مسئولیت شرکت‌های چند ملیتی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴، ۱۳۸۹.

- ابراهیمی، شهرام، «طرح تأسیس دوره کارشناسی ارشد پیش‌گیری و مجازات جرائم اقتصادی و سازمان‌یافته»، مجله تعالی حقوق خوزستان، شماره ۹، ۱۳۸۶.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.

- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶.

- افشاری اردبیلی، سمیرا، جایگاه علم قاضی در ادله اثبات الکترونیک در نظام دادرسی کیفری، فصلنامه علمی حقوقی قانون‌یار، دوره چهارم، شماره شانزدهم، ۱۳۹۹.

- برزگری، فروغ؛ عباسی، اصغر؛ اسماعیلی، مهدی؛ حاجی‌تبار فیروزجانی، حسن، «بررسی بنیادهای کیفری تشدید در قلمرو جرائم اقتصادی»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره اول، ۱۴۰۱.

- تدین، عباس، اصل مشروعیت تحصیل دلیل در پرتو آموزه‌های حقوق‌دانان و رویه قضایی ایران، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، تهران، بنیاد حقوق میزان، ۱۳۸۸.

- جعفری، امین، «ابراز پشیمانی از ارتکاب جرم اقتصادی و بازرگانی در حقوق فرانسه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۱، ۱۳۸۶.

- حیدری، الهام، ۱۳۹۲، اعتبار علم قاضی در صدور احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۹۲.

- حیدری، الهام، اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان، رساله دکتری، دانشگاه تهران (پردیس قم)، ۱۳۹۱.

- خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسیله، چاپ اول، ج ۲، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا.

series, No.67, Ministry of Home Affairs, government of India, 2003.

- Haglund, E., Impeaching the Underworld Informant, 63 Southern California Law Review, 1990.

- Schur, Edwin, M., Crimes without victims, Prenice Hall, Inc, 1995.

- Sjogren, H., Skogh, G., New perspectives on economic crime, Edward Elgar publishing limited, 2004.

- Tiedeman, K., Phenomenology of Economic crime, council of Europe, 1976.

- معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، بهترین راه- کارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرائم سازمان‌یافته، چاپ اول، تهران، روزنامه رسمی، ۱۳۸۸.

- معطوف، لويس، المنجد في اللغة و الاعلام، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۶.

- مهدوی‌پور، اعظم، تعقیب و تحقیق جرائم اقتصادی؛ روش‌ها و ویژگی‌ها، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۲.

- مهدوی‌پور، اعظم؛ شهرانی کرانی، نجمه، «نقش مخبران در آئین دادرسی کیفری ناظر بر جرائم اقتصادی؛ مقتضیات و موانع»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۴.

- موسوی مجاب، سیددريد، بزه‌کاران یقه سفید، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۳، ۱۳۸۳.

- میرسعیدی، سید منصور؛ زمانی، محمود، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۲.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (درآمدی بر جرم‌شناسی بزه‌کاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی)، ۱۳۸۴.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره سیاست جنایی افتراقی دیباچه در: کریستین لازرژ، درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۲.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۰.

- یوسفی مراغه، مهدی؛ سعادت، علی؛ زارع مهدوی، قادر، «علل ارتکاب جرائم اقتصادی و راه‌کارها»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره ۳، ۱۳۹۲.

- Abadinsky, H., 1994, Organized crime, 4th Ed, Chicago, 1994.

- Bharti, A., legislative measures to deal with economic crimes in India, Resource material